

اعطای حق رای به زنان آذربایجان

نخستین در ایران، نخستین در عالم اسلامی

مهران بهاری

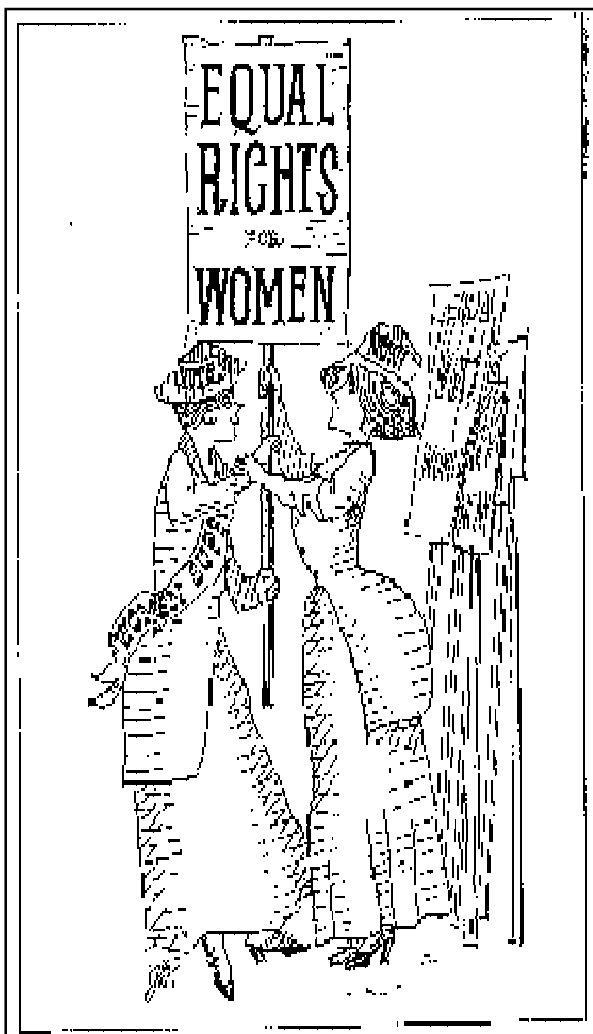
سۆزوموز Sözüümüz

<http://sozumuz.blogspot.com/>

تورک خاتون Türkcə Xatun

<http://xatun.blogspot.com>





به لحاظ تاریخی زنان ترک ایران در سطح کشور، در آذربایجان، جنوب و مرکز ایران، خراسان... در مقایسه با زنان منسوب به دیگر ملت‌های ایرانی همواره از موقعیت و حقوق اجتماعی برتری برخوردار بوده اند. در میان علل این الگوی جامعه شناسی میتوان نزدیکی جغرافیایی خلق ترک و مجاورت دنیای تورکی به اروپا و عالم مسیحیت، منسوبیت ترک‌های ایران به گروه ملل و اقوام تورکی که به طور سنتی برابری مرد و زن به مقیاس وسیعی در فرهنگ ملی و سنتی شان موجود است، گرایش گسترده ترک‌های ایران در تاریخ به باور و تفاسیر هترودوکس اسلامی (جریان‌ات غالی شیعی، علوی قزلباشی، ...) به جای تفاسیر اورتودوکس آن که اندیشه غالب در میان قوم فارس بوده است، شرایط مساعد جغرافیایی و پیشرفته تر بودن مناسبات اقتصادی سرزمین‌های تورک نشین بویژه آذربایجان، حاکمیت سیاسی هزار ساله تورکان در ایران و تشکیل دول بیشتر و در نتیجه آن پیدایش طبقه اشرافی و رشد وسیع قشر متوسط ترک در ایران و در نهایت سکولار و لائیک بودن دول و ملل تورکی مجاور کشور را بر شمرد.

چادر، منشاء زردشتی-فارسی-ایرانی دارد

در حالیکه در زبان تورکی کلمات بسیاری برای توصیف گیسوان و زلف بانوان وجود دارد، نزدیک به تمام کلمات و تعبیرات مستعمل در باره تستر بانوان مانند چادر، مقنعه، حجاب، روسری، چارقد، ... در این زبان دارای ریشه فارسی و یا عربی است. در زبان تورکی دو کلمه متفاوت و جدای "چادرا" و "چادیر" وجود دارد که معادل هر دویشان در فارسی یک کلمه "چادر" است. "چادرا" Çadra همان "چادر" (پوشش زنان) بیگانه با فرهنگ تورکی است که منشاء فارسی-ایرانی - زردشتی داشته و بعدها در اثر همجواری و مراودت وارد فرهنگ تورکی نیز شده است. و اما "چادیر" Çadir به معنی خانه پارچه ای طوائف کوچنده کلمه ای تورکی است. مولفین فارس این دو کلمه متفاوت را که به فارسی هر دو به شکل یکسان "چادر" و در تورکی به دو شکل متفاوت چادیر Çadir و چادرا Çadra تلفظ و ثبت می شوند در هم آمیخته و در ریشه شناسی شان مرتکب اشتباه می شوند. کلمه چادر

به معنی خرگاه و خانه پارچه ای طوائف کوچنده و کوچ نشینان ترک کلمه ای ترکی-آلتائی و از ریشه مصدر چاتماق Çatmaq به معنی محکم بستن است. (خرگه Xərgə - خرگاه، به سیاق یورتگه Yurtgə، چرگه Çərgə و جرگه Cərgə نیز کلمه ای ترکی است. کلمه خر Xər همان کلمه مونقولی گر Ger به معنی چادر و یورت ترکی است. فرم اولیه خرگه در ترکی باستان به شکل کره گو Kəragü می باشد). کلمه چادر که در دیوان لغات الترك به شکل چاتیر Çatır ثبت گردیده، در ترکی باستان و قدیم دارای فرمهای چادار Çadar، چاشیر Çaşır، چاچیر Çaçır، چاتیر Çatır و... بوده و به شکل Sátor در زبان مجاری (از ریشه Csat)، دیگر زبانهای اورال آلتائیک و به شکل Sahdur در زبان محتملا پرتوتورک سومری وجود دارد. کلمه تورکی چادر علاوه بر زبان فارسی در فرم چاچیره Çaçire وارد زبان مونقولی و در فرم شاپیور Şapıyör وارد زبان روسی نیز شده است. این کلمه در ترکی معاصر به شکل چادیر Çadır تلفظ میشود. وامواژه ترکی چتر در زبان فارسی که در ترکی معاصر به شکل "Çətir" تلفظ می گردد، اصطلاح نظامی چاتما Çatma (چاتمه در فارسی)، چاتما Çatma به معنی آونک (لهجه دره گز زبان ترکی)، چاتی Çatı و چاتاق Çataq هر دو به معنی طناب برای بستن بار و بنه و سقف بنا، چاتیم Çatım به معنی معماری نیز از همین ریشه ترکی چاتماق Çatmaq مشتق شده اند.

از طرف دیگر چادر به معنی نوعی پوشش و حجاب زنان فارس و پارسی، منشاء فارسی - ایرانی - زردشتی داشته از ریشه چادرک است. این وامواژه فارسی در زبان ترکی به شکل چادیرا Çadıra تلفظ میشود. معادل این کلمه فارسی در زبان ترکی بورونجه ک Bürüncək (در بعضی لهجه ها بورونجوک Bürüncük، بورونجه ک Bürümcək) از مصدر بورونمک Bürünmək به معنی در لفافه پیچیده شدن است. (در منابع ترکی و آذربایجانی قدیم فرق عمده ای بین سرپوش و کلاه زنان و مردان دیده نمی شود، با اینهمه در زبان ترکی معاصر برای نامیدن سرپوشهای سنتی زنان روستائی و ایلی و شهری که در مناسبتهای گوناگون پوشیده می شوند، کلمات گوناگونی بکار میروند. علاوه بر این نامها، آنچه که امروز به عنوان روسری اسلام سیاسی و غیرسنتی شناخته شده است بورگو Būrgü نامیده می شود که از همین مصدر بورمک Būrmək است). به همه حال اطلاعات موجود و بررسیهای تاریخی نشان می دهند که هم کلمه چادر به معنی پوشش زنان و هم این نوع خودپوشی و پنهان گشتن و یا شدن زنان از مردان و اجتماع، بیگانه با زبان و فرهنگ ترکی و حتی اسلام بوده و صرفا در اثر مراودت با ایرانیان، پارسیان و زرتشتیان وارد زبان و فرهنگ ترکی و آذربایجانی شده اند.

زن ترک و حرکت فمینیسم در ایران

همانگونه که امروز هم در میان طوائف ترک ایرانی دیده میشود، در فرهنگ سنتی و ملی ترکی "چادر" و مقنعه و... وجود ندارد. این نوع پوشش در میان برخی از زنان ترک شهری که تحت تاثیر فرهنگ عمومی، سنتی و دینی فارسی بوده اند (به استثنای اجبار دولتی دوران حکومت جمهوری اسلامی) رایج شده است. اساسا نبود کلمه ای ترکی در این زبان برای "چادر" نیز موید این واقعیت است.



در تاریخ معاصر ایران هر چند نه چندان صائب، و بیشتر از سوی روشنفکران قوم فارس، رسم است که از بانوی ترک آذربایجانی، زرین تاج فاطمه قره العین به عنوان پیشتاز حرکت فمینیسم یاد شود. وی که احتمالا بر مذهب بایی و بیشک منسوب به جریان شیخیه آذربایجان بوده است، از نخستین زنان ترک شهری با تربیت دینی-فارسی است که بدون چادر و پوشش اسلامی اورتودوکس در مجامع

و مباحثات دینی شرکت نموده است. این شاعر، عالم و انقلابی ترک آذربایجانی نخستین شورش دمکراتیک مردمی بر علیه موناشرسیسم و فاناتیسم مذهبی در قرون معاصر را در شهر زنجان آذربایجان رهبری نموده است.

در دوره حاکمیت دیکتاتوری نژادپرست پهلوی نیز نخستین بانوان منسوب به دربار این خاندان مانند تاج الملوک آیرملو مادر محمدرضا پهلوی، که بدون چادر در اجتماع ظاهر شده اند، از ترکان آذربایجان - اورمییه و اصلا از ترکهای آذربایجان شمالی بوده اند.

آذربایجانیان و حق رای زنان ترک



در تاریخ ایران حق دادن رای برای زنان، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای نخستین بار در دوره حکومت ملی آذربایجان (جمهوری آذربایجان جنوبی) به سال ۱۳۲۵ و در سطح آذربایجان شناخته و اجرا شده است.

در مقیاس کل ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۳۲ در دوره حکومت دکتر محمد مصدق، سیاستمدار و دولتمرد ترک آذربایجانی از خاندان قاجاری (اصلا از ترکهای ترکیه مرکزی و جنوبی)، در طی رفراندمی زنان توانسته اند در صندوقهای رای حضور یافته و در انتخابات شرکت نمایند.

در دنیای اسلام نیز نخستین دولتی که حق دادن رای، انتخاب کردن و انتخاب شدن برابر با مردان را برای زنان بدون محدودیت و شرط و شروط پذیرفته است، جمهوری آذربایجان (شمالی) در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ شمسی) است.

قادینلارین کیشیلرله بیرلیکده اوی وئرمه حاققینا ییبه له ندییی اولکه لرین ایلا یگون (تاریخی) چاغین سیراسی (کرونولوژی) اوزه رینه گؤسته ریچیسی

نمودار زمانی اعطای حق برابر رای دادن به زنان در کشورهای مختلف



زنان در آذربایجان شمالی (جمهوری آذربایجان) در سال ۱۹۲۱ (همزمان با سوئد و بلژیک)، در ترکیه به سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۰ (همزمان با اسپانیا و پرتغال)، در آذربایجان جنوبی (حکومت ملی آذربایجان) به سال ۱۹۴۵ (همزمان با ایتالیا و ژاپن) و در ایران به سال ۱۹۶۳ (همزمان با مراکش، کنگو و کنیا) حق رای برابر با مردان را بدست آورده اند. به عبارت دیگر زنان آذربایجان ایران حق رای مساوی با مردان را در سال ۱۹۴۵ یعنی ۲۴



سال پس از جمهوری آذربایجان، ۱۱ سال پس از ترکیه و ۱۹ سال پیش از دیگر زنان ایرانی بدست آورده اند. البته در ایران برابری زنان و مردان در رابطه با انتخابات هنوز صوری است و زنان ایرانی قانوناً در بسیاری از عرصه ها از حق انتخاب شدن محرومند.

در زیر جدول کرونولوژیک اعطای حق رای به زنان در کشورهای مختلف داده شده است:

قرن هیجده

۱۷۸۸ - ایالات متحده آمریکا (حق انتخاب شدن)

قرن نوزده

۱۸۹۳ - یمنی زئلاند (نیوزیلند) (حق رای دادن)
؟ - کانادا (حق رای دادن)*

نیمه اول قرن بیست

۱۹۰۲ - استرالیا*
۱۹۰۶ - فنلاند
۱۹۰۷ - نروژ (حق انتخاب شدن)*
۱۹۱۳ - نروژ**

- ۱۹۱۵- دانمارک، ایسلند
- ۱۹۱۷- کانادا (حق رای دادن)*، هلند (حق انتخاب شدن)
- ۱۹۱۸- اتریش (آووستوریا)، کانادا (حق رای دادن)*، استونی، گرجستان*، آلمان، ایرلند*، لاتویا، پولشا (لهستان)، روسیه، بریتانیا*، قیرقیزستان
- ۱۹۱۹- بئلا روس (روسیه سفید)، لوکزامبورگ، هلند (حق رای دادن)، اوکراین، نیوزیلند (حق انتخاب شدن)، بلژیک (حق رای دادن)*، سوئد*
- ۱۹۲۰- آلبانی، کانادا (حق انتخاب شدن)*، جمهوری چک، اسلواکی، ایالات متحده آمریکا (حق رای دادن)
- ۱۹۲۱- ارمنستان، آذربایجان (شمالی)**، لیتوانیا، سوئد**، بلژیک (حق انتخاب شدن)*، گرجستان**
- ۱۹۲۴- قزاقستان*، مغولستان، تاجکستان، سانتا لوجیا
- ۱۹۲۷- ترکمنستان
- ۱۹۲۸- بریتانیا**، ایرلند**
- ۱۹۲۹- اکوادور*، رومانی*
- ۱۹۳۰- آفریقای جنوبی (سفیدها)، ترکیه** (حق رای دادن)
- ۱۹۳۱- اسپانیا، سریلانکا، شیلی*، پرتقال*
- ۱۹۳۲- مالدیو، تایلند، اروگوئه
- ۱۹۳۴- برزیل، کوبا، پرتقال***، ترکیه (حق انتخاب شدن)
- ۱۹۳۵- میانمار (حق رای دادن)
- ۱۹۳۷- فیلیپین
- ۱۹۳۸- بولیوی*، ازبکستان
- ۱۹۳۹- السالوادور (حق رای دادن)
- ۱۹۴۱- پاناما*
- ۱۹۴۲- جمهوری دومینیک
- ۱۹۴۴- بلغارستان، فرانسه، جامائیکا
- ۱۹۴۵- کروآسی، گویانا (حق انتخاب شدن)**، ژاپن*، اندونزی، ایتالیا، سنگال، اسلوانی، توگو، **آذربایجان جنوبی (ایران)**
- ۱۹۴۶- کامرون، کره شمالی، جیبوتی (حق رای دادن)، گواتمالا، لیبری، میانمار، (حق انتخاب شدن)، پاناما**، رومانی**، یوگسلاوی، مقدونیه، ترینیداد و توباگو، ویتنام، ونزوئلا
- ۱۹۴۷- آرژانتین، پاکستان، ژاپن**، مالتا، مکزیک (حق رای دادن)، سنگاپور
- ۱۹۴۸- بلژیک**، اسرائیل، لائوس، نیجریه، کره جنوبی، سیشل، سورینام
- ۱۹۴۹- بوسنی و هرزگوین، شیلی**، چین، کوستاریکا، سوریه (حق رای دادن)*
- ۱۹۵۰- باربادوس، هائیتی، هندوستان، کانادا (حق رای دادن)**

نیمه دوم قرن بیست

- ۱۹۵۱- آنتیک و باربودا، گرانادا، نپال، سنت کیتس و نویس، سنت و نسان و گرنادین، دومینیکا
- ۱۹۵۲- بولیوی**، جزایر ساحل عاج، یونان، لبنان
- ۱۹۵۳- بوتان، گویانا (حق رای دادن)، مجارستان (حق رای دادن)، مکزیک (حق انتخاب شدن)، سوریه**
- ۱۹۵۴- بلیز، کلمبیا، گانا
- ۱۹۵۵- کامبوج، اریتره (?)، ائیوپی، پرو، نیکاراگوئه، هندوراس
- ۱۹۵۶- بنین، جزایر کومور، مصر، گابن، مالی، موریتانی، سومالی
- ۱۹۵۷- مالزی، زیمبابوه**
- ۱۹۵۸- بورکینا فاسو، چاد، گینه، مجارستان (حق انتخاب شدن)، جمهوری خلق لائو، نیجریه (?)
- ۱۹۵۹- ماداگاسکار، تونس، تانزانیا، سان مارینو (حق رای دادن)
- ۱۹۶۰- کانادا (حق انتخاب شدن)**، قبرس، گامبیا، تونگا
- ۱۹۶۱- برونڈی، السالوادور (حق انتخاب شدن)، سیرالئون، موریتانیا، پاراگوئه، رواندا، باهاما*، مالاوی
- ۱۹۶۲- الجزائر، موناکو، اوگاندا، زامبیا، استرالیا**
- ۱۹۶۳- کنگو، گینه اکوادور، ایران**، مراکش، فیجی، پاپائو گینه نو (حق انتخاب شدن) (?)، کنیا
- ۱۹۶۴- باهاماس**، پاپائو گینه نو (حق رای دادن)، سودان، لیبی
- ۱۹۶۵- افغانستان، بوتسوانا، لسوتو
- ۱۹۶۷- زئیر، جمهوری خلق یمن، کنگو (حق رای دادن)، تووالو، کیریباتی، اکوادور**
- ۱۹۶۸- سوازیلند، نائورو
- ۱۹۶۹- لیبی
- ۱۹۷۰- آندورا (حق رای دادن)، یمن (جمهوری عربی)، کنگو (حق انتخاب شدن)
- ۱۹۷۱- سوئیس (ایسوئچره)
- ۱۹۷۲- بنگلادش
- ۱۹۷۳- آندورا (حق انتخاب شدن)، بحرین (حق شناخته شد؟)، سان مارینو (حق انتخاب شدن)
- ۱۹۷۴- اردن، جزایر سلیمان
- ۱۹۷۵- آنگولا، موزامبیک، کیپ ورده، سائو توم و پرنسیپه، وانواتو
- ۱۹۷۶- پرتقال**
- ۱۹۷۷- گینه بیسائو
- ۱۹۷۸- مولداوی*، زیمبابوه (حق انتخاب شدن)
- ۱۹۷۹- جزایر مارشال (?)، میکرونزی، پالائو
- ۱۹۸۰- عراق، وانواتو**
- ۱۹۸۴- لیختن اشتاین، آفریقای جنوبی (رنگین پوستها و هندیان)
- ۱۹۸۶- جمهوری آفریقای مرکزی، جیبوتی (انتخاب شدن)

۱۹۸۹-نامیبیا

۱۹۹۰-ساموآ

۱۹۹۴-آفریقای جنوبی (سیاهان)، مولداوی*، قزاقستان

حق زنان برای دادن رای و همچنین انتخاب شدن در کویت و امارات متحده عربی هنوز شناخته نشده است.

* -حق منوط به شرایط و تحت محدودیتهایی داده شده است.

** -شرایط و محدودیتهای لغو شده است.

منابع :

IPU Study No. 28, 1997, Men and Women in Politics: Democracy Still in the Making

نشریه ۲۱ آذر شماره ۶، بر اساس مرکز آماري سازمان ملل متحد-ژنو